

تالم و همدردی از درگذشت حیدری

گرک اجل یکایک از این گله میبرد
این گله را به من که چه آسوده میبرد

امیرفیض- حقوقدان

حیدری خود و برادرش مبارزانی معتقد و سلطنت طلب بودند. یکی نقاشریال خطاط مشهور که روی جلد کتاب خاطرات و ماجراهای وکیل دربار خط اوست، برادر او که بنام علی حیدری شهرت داشت فعال سیاسی و مبارزی آگاه و حاضر در فعالیت های سیاسی و مبارزاتی بود که گروهی راهم سرپرستی میکرد و یا عضو آن بود که در ایران فعالیت داشتند.

ایرانیار حیدری در سالهای حضور سنگردر کانادا با سنگرتماس و سنگری بود و بویژه با آقای جلوه تماس تلفنی و خلوصی خاص داشت.

حیدری در برنامه طرح اعلام عام و طرح پشتیبانی از اعلیحضرت بمناسبت نامه به سازمان ملل متحد مشارکت جدی داشت که گزارش اجرایی طرحهای مزبور در سنگرهای سال ۶۷ انتشار یافته است.

آنطور که خود حیدری میگفت هنگام تشریف فرمائی اعلیحضرت به کالیفرنیا ایشان افتخار حضور و حفاظت از اعلیحضرت را دارا بوده اند و گاهی هم رانندگی ایشان را بعهده داشته اند.

حیدری حقیقتاً اعلیحضرت را دوست داشت صرفنظر از موقعیت سیاسی ایشان، قلباً ارادت و کوچکی توأم با احترام خاصی را برای اعلیحضرت قائل بود. صفای دل او از کلمات بی غشش فریاد میکرد.

حیدری میگفت که برنامه رادیویی دارد که در آن صحبت و مطالبی را از سنگر و دیگر ماخذ مطرح میسازد و در همین زمینه گاه کمکها و بقول خودش اجازت هائی میخواست.

در حدود دویاسه ماه قبل، حیدری با ارادتمند تماس تلفنی گرفت مثل همیشه با محبت و گرم احوالپرسی کرد.

هیچ اشاره ای به ناراحتی های درمانی و یا سلامتی خودش نکرد شاید هم نخواست من راهم شریک غم و دردش کند ولی تابخواهید از مبارزه و امیدهایی که بر باد رفته است نالید و نالید که اشک دلش پنهان شدنی نبود.

کاملاً احساس کردم که غرور مبارزه اش شکسته شده نخواستم براه ریا غرور شکسته او را وصله کنم او را همدرد یافتم چرا که این دردی است فراگیر. شاید این بیت نظامی وصف الحال همه ما باشد.

این نامه که هست چون پرندی از غم زده ای به دردمندی

روحش شاد و سربلند که با اعتقادی راسخ به حقانیت تداوم سلطنت ایران از بین مارفت

با احترام امیرفیض